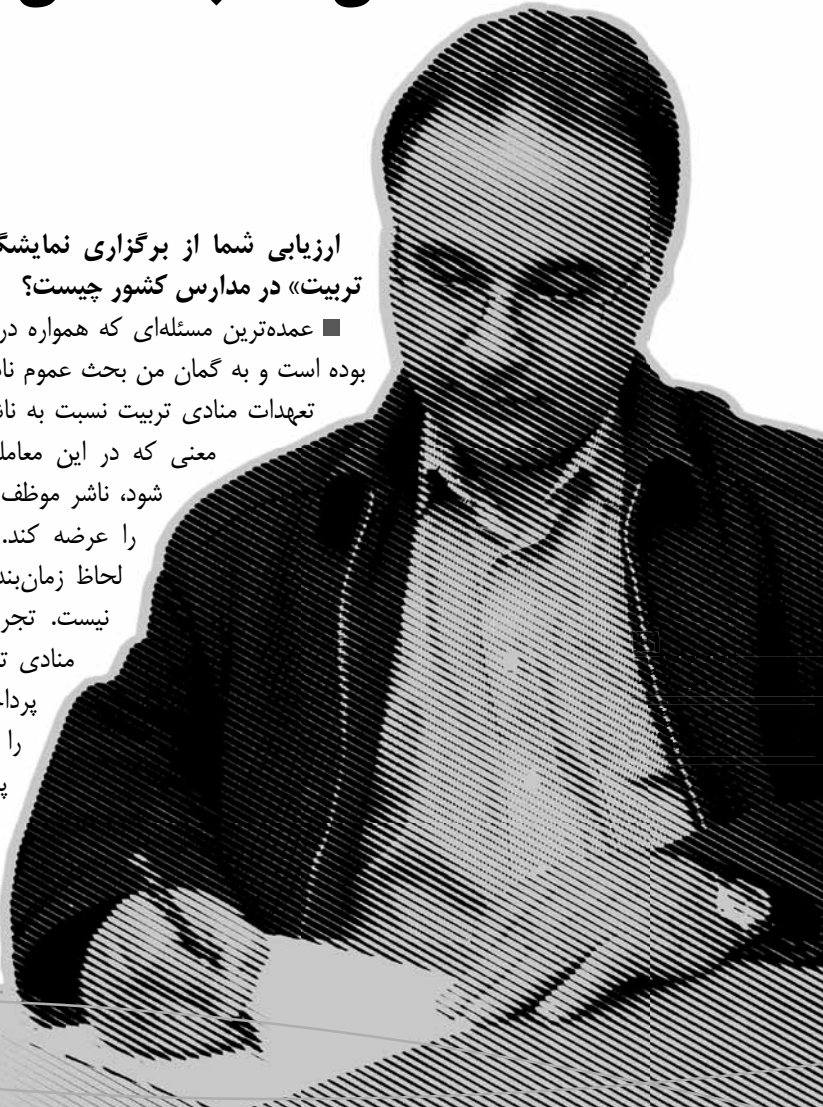


گفت‌وگو با محمود سالک، مدیر نشر کلام

مسائل کتاب را حل کنیم، نه پاک

ارزیابی شما از برگزاری نمایشگاه‌های کتاب توسط «منادی تربیت» در مدارس کشور چیست؟

■ عمده‌ترین مسئله‌ای که همواره در رابطه با این نمایشگاه‌ها مطرح بوده است و به گمان من بحث عموم ناشران نیز هست، مشخص نبودن تعهدات منادی تربیت نسبت به ناشر از نظر پرداخت است. به این معنی که در این معامله، بدون این که قراردادی بسته شود، ناشر موظف می‌شود براساس تخفیفی کتاب را عرضه کند. ولی تعهدات منادی تربیت به لحاظ زمان‌بندی و پرداخت مشخص و معین نیست. تجربه‌ی شخصی من در رابطه با منادی تربیت این است که آن قدر زمان پرداخت طولانی می‌شود که توجیهش را برایمان از دست می‌دهد؛ یعنی پولی که به دستمان می‌رسد، حتی هزینه‌ی کاغذ تجدید چاپ کتاب را تأمین نمی‌کند. توجیهشان هم همیشه این بوده است که



ابتدا باید استان‌ها مبالغ مربوط به کتاب‌ها را به سیستم واریز کنند تا منادی تربیت بتواند به تعهدات مالی‌اش عمل کند.

متأسفانه تفکر غالب این است که شرایط امروز جامعه و بحران اقتصادی باعث شده است، ناشر آن قدر درمانده شود که حاضر باشد کتاب را با هر شرایطی عرضه کند و همین قدر که انبارش را خالی کند، برایش کافی است. نحوه‌ی پرداخت هم هر قدر طولانی باشد، چندان مهم نیست. در حالی که در واقع قضیه غیر از این است. ناشری که حرفه‌ای عمل می‌کند، غیرممکن است بتواند در این نوع سیستم عمل کند و جواب بگیرد. به همین دلیل است که برخی ناشران خودشان را کنار می‌کشند و حتی نمونه کتاب هم ارسال نمی‌کنند. بنابراین باید ظرف زمانی مشخصی برای پرداخت تعهدات مالی در نظر گرفته شود تا در حق ناشر اجحاف نشود.

**باید ظرف
زمانی مشخصی برای
پرداخت تعهدات مالی در
نظر گرفته شود تا در حق
ناشر اجحاف نشود**

بحث دیگری که در مورد نمایشگاه منادی تربیت وجود دارد، نحوه‌ی سفارش کتاب‌هاست. در حال حاضر، روند سفارشات به این ترتیب است که منادی تربیت نمونه کتاب‌هایی را از ناشران می‌گیرد و پس از کارشناسی و انتخاب، در محلی به نمایش می‌گذارد تا نمایندگانی از استان‌های گوناگون در این نمایشگاه حضور پیدا کنند و بر مبنای نیازهایشان کتاب‌هایی را سفارش دهند.

ظاهر این سیستم دموکراتیک است و حق انتخاب با کسی است که کتاب را خریداری می‌کند. منطقی هم نمی‌توان به آن ایراد گرفت. ولی من معتقدم خروجی این روش مشکل دارد. یعنی سفارشی که به دست ما می‌رسد، نشان می‌دهد این روش لزوماً به انتخاب‌های درست منتهی نمی‌شود. من می‌توانم کتاب‌هایی را مثال بزنم که علی‌القاعده در آن سیستم جا دارند، مثلاً کتاب سال و برگزیده‌ی جشنواره‌ی رشد بوده‌اند و در بازار و مدارس هم با استقبال خوبی روبه‌رو شده‌اند، ولی در این طرح حتی یک جلد هم سفارش نمی‌گیرند. به هر حال صلاحیت کارشناسان جشنواره‌ی رشد، اگر بیشتر از نمایندگان استان‌ها نباشد، قطعاً کم‌تر هم نیست. پس چرا چنین کتاب‌هایی نباید به کتابخانه‌های مدارس راه یابند؟ کاش در زمان نمایش کتاب، ناشران نیز دعوت شوند تا در جریان شیوه‌ی عرضه‌ی محصولاتشان قرار بگیرند. با روش فعلی، من حتی نمی‌توانم مطمئن باشم که محصولم واقعاً در آن نمایشگاه به نمایش گذاشته شده، یا این که جا مانده و گم شده است.

در هر صورت، من به عنوان فردی که سی سال در این حوزه کار کرده و تقریباً از ابتدای انقلاب در جریان همه‌ی این فرایندها- حداقل در بخش کتاب کودک و نوجوان- بوده است،

وقتی می‌بینم چنین کتاب‌هایی در این طرح حتی یک جلد هم سفارش نمی‌گیرند، به این نتیجه می‌رسم که این چرخه معیوب است و چندان تناسبی با اهدافش ندارد. اگر چنین کتاب‌هایی در طرح‌هایی مثل نمایشگاه منادی تربیت که در جهت تکمیل و غنی‌سازی کتاب‌خانه‌های مدارس گام برمی‌دارد مورد حمایت قرار نگیرند و جزو انتخاب‌های نمایندگان استان‌ها نباشند، پس برپایی جشنواره‌ها نیز معنی ندارد.

ما ضمن این که قبول داریم، این نمایندگان علی‌القاعده بر مبنای نیاز تصمیم می‌گیرند و دست به انتخاب کتاب می‌زنند، باید جلوی خطاهایشان را هم بگیریم و به سمتی سوقشان دهیم که بهترین و مناسب‌ترین کتاب‌ها به کتاب‌خانه‌های مدارس راه یابد و به دست دانش‌آموزان برسد.

البته درباره‌ی همه‌ی این موارد باید این نکته را در نظر داشت که چون این چرخه شفاف نیست و ما امکان نظارت بر آن را نداریم تا در جریان همه‌ی امور قرار بگیریم، در نتیجه نمی‌توانیم تحلیل قطعی و نقد منصفانه داشته باشیم. مثلاً اگر به آمار فروش ناشران در نمایشگاه و یا فهرست کتاب‌ها از پرفروش‌ترین تا کم‌فروش‌ترین دسترسی داشتیم، می‌توانستیم بفهمیم که نمایشگاه به سمت چه کتاب‌هایی رفته و آیا این با اهدافش سازگار است یا نه. ای بسا، بسته عمل کردن باعث می‌شود نتوانیم دید واقع‌بینانه‌ای داشته باشیم و جنبه‌های مثبت را ببینیم، و در نتیجه درباره‌ی منادی تربیت یا هر مجری دیگری با بی‌انصافی قضاوت کنیم.

حضور شما در این نمایشگاه‌ها چگونه است؟

■ ما تا چند دوره‌ی قبل، تقریباً همه‌ی نمونه کتاب‌هایمان را برایشان ارسال می‌کردیم. اما در یکی دو سال اخیر که شرکت در این طرح برایمان توجیهی نداشته است، از شرکت فعال در آن خودداری کرده‌ایم.

ارتباط ناشران با مدارس

به نظر شما بهتر نیست ناشران به طور مستقیم با مدارس در ارتباط باشند و واسطه‌ای به اسم منادی تربیت فعالیت نداشته باشد؟

■ نه. من برگزاری نمایشگاه کتاب توسط منادی تربیت و حضور مستقل ناشران در مدارس را خیلی مقابل هم نمی‌بینم. ناشران کم و بیش در مدارس فعال هستند، اما به دلایلی حذف این واسطه امکان‌پذیر نیست. چون علاوه بر این که ممکن است بازار مکاره ایجاد شود، باید پذیرفت که مدارس اهداف، ضوابط و چارچوب‌هایی دارند و نمی‌توان هر کتابی را وارد کتاب‌خانه‌ی

کتاب‌هایی
که به وسیله‌ی
نمایشگاه وارد مدرسه‌ها
می‌شوند، باید به روز باشند
از نظر موضوع و محتوا نیز
باید سازگار با نیازهای
دانش‌آموزان و دارای
تنوع لازم باشند

مدرسه کرد. به نظر من، اگر ضعف‌های نمایشگاه منادی تربیت برطرف شود، این طرح می‌تواند در جایگاه خود اسباب رونق کتاب‌خانه‌های مدارس را فراهم آورد. از سوی دیگر هم نیازی نیست که در مدارس را به روی دیگر ناشران ببندیم.

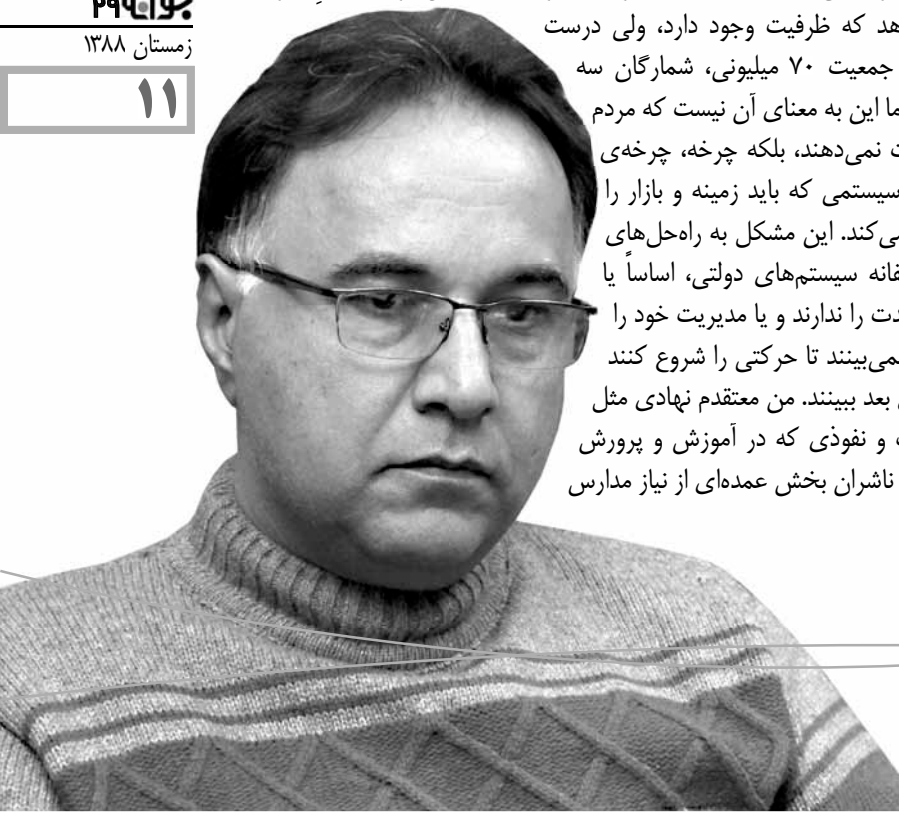
انتشارات شما به طور مستقیم با مدارس در ارتباط است؟

■ ما سال‌هاست که با برخی مراکز آموزشی به صورت محدود ارتباط داریم و در طول سال نمایشگاه‌هایی برایشان ترتیب می‌دهیم که همواره تجربه‌ی خوبی برایشان بوده است. یعنی کمتر پیش آمده است که با شناخت قبلی برای مدرسه‌ای کتاب فرستاده باشیم و مرجوعی آن بیش از ۱۰ تا ۱۵ درصد باشد. به طور معمول، ۸۵ درصد کتاب‌ها به فروش می‌رسند.

از نظر شما معیارهای نمایشگاه استاندارد چیست؟

■ کتاب‌هایی که به وسیله‌ی نمایشگاه وارد مدرسه‌ها می‌شوند، باید به روز باشند. از نظر موضوع و محتوا نیز باید سازگار با نیازهای دانش‌آموزان و دارای تنوع لازم باشند. البته بخشی از این موضوع مشکل نشر ماست که در حوزه‌هایی برای دانش‌آموزان کارهای تکراری انجام داده‌ایم و در حوزه‌هایی مخاطب کتاب‌های مورد نیازش را پیدا نمی‌کند.

به نظر من باید مخاطبان را بشناسیم و بر مبنای نیازها و علاقه‌هایشان، بهترین کتاب‌ها را تهیه کنیم؛ به گونه‌ای که هم به روز باشند و هم از تنوع لازم برخوردار باشند. همین که می‌توان در یک مدرسه ۸۵ درصد و گاهی ۱۰۰ درصد کتاب فروخت، طوری که دانش‌آموز با رغبت خود کتاب بخرد، نشان می‌دهد که ظرفیت وجود دارد، ولی درست مدیریت نمی‌شود. برای جمعیت ۷۰ میلیونی، شمارگان سه هزارتایی یأس‌آور است. اما این به معنای آن نیست که مردم به مطالعه و کتاب اهمیت نمی‌دهند، بلکه چرخه، چرخه‌ی درستی نیست. در واقع، سیستمی که باید زمینه و بازار را ایجاد کند، خوب عمل نمی‌کند. این مشکل به راه‌حل‌های بلندمدت نیاز دارد. متأسفانه سیستم‌های دولتی، اساساً یا حوصله‌ی فکرهای بلندمدت را ندارند و یا مدیریت خود را آن‌قدر با ثبات و مستمر نمی‌بینند تا حرکتی را شروع کنند و ثمره‌اش را در سال‌های بعد ببینند. من معتقدم نهادی مثل منادی تربیت، با امکانات و نفوذی که در آموزش و پرورش دارد، می‌تواند با همکاری ناشران بخش عمده‌ای از نیاز مدارس را به خوبی تأمین کند.



به نظر تان کتاب‌های نمایشگاه منادی تربیت از این استانداردها برخوردارند؟

■ اگر اطلاعات جامع و شفافی در اختیار داشتیم، می‌توانستیم قضاوت دقیقی داشته باشیم. در هر حال، ظن من این است که ۷۰-۸۰ درصد از کتاب‌های مناسب و قابل قبول به نمایشگاه راه می‌یابند؛ البته غیر از آن بخشی که گروهی از ناشران به دلیل بدقولی‌های مالی، خود را کنار کشیده‌اند و از عرضه‌ی کتب خودداری می‌کنند.

دانش‌آموزان بیگانه با کتاب

نقش معلمان در علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به کتاب و کمک به آن‌ها در انتخاب

کتاب چیست؟

■ طبیعتاً نقش بسیار مؤثری دارند. در مقاطعی که از لحاظ انس دانش‌آموزان با کتاب تعیین‌کننده محسوب می‌شوند، دانش‌آموزان حرف معلمانشان را حتی بر حرف والدین ترجیح می‌دانند. اما ساختار آموزش و پرورش به معلمان اجازه نمی‌دهد که بتوانند از این ارتباط استفاده کنند و انس با کتاب را در دانش‌آموزان به وجود آورند. مثلاً همواره بحث‌هایی درباره‌ی جدی شدن زنگ مطالعه در مدارس مطرح بوده، اما هیچ وقت به مرحله‌ی عمل نرسیده است. بنابراین ما نمی‌توانیم از معلمان انتظار داشته باشیم که «دن کیشوت وار» به میدان بیایند و شاخ غول را بشکنند؛ هرچند در حال حاضر هم معلمان هستند که وقت زیادی را صرف این کار می‌کنند، چرا که به تأثیر مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان بر بازده کارشان کاملاً واقف هستند.

متأسفانه نظام آموزش و پرورش ما خود به خود دانش‌آموزان را با کتاب بیگانه می‌کند. تا اوایل دوران راهنمایی، انس دانش‌آموزان با کتاب شیب صعودی دارد، اما بعد از آن هرچه به کنکور نزدیک می‌شویم، به دلیل فشاری که برنامه‌ی درسی به بچه‌ها وارد می‌کند، ارتباطشان با کتاب‌های غیردرسی کم‌تر می‌شود. یعنی همان ناچیز انسی که احتمالاً در طول حدود هشت سال شکل گرفته است. در طول چهار سال بعدی از بین می‌رود.

ما می‌توانیم نسلی را پرورش دهیم که با کتاب بیگانه نباشد، به شرط آن که در این راه از معلمان کمک بگیریم و از ظرفیت‌های موجود حداکثر استفاده را بکنیم. در آن صورت، شمارگان کتاب کودک و نوجوان زیر ۳۰ تا ۵۰ هزار نخواهد بود و این اصلاً شعار نیست.

همواره
بحث‌هایی
درباره‌ی جدی شدن
زنگ مطالعه در مدارس
مطرح بوده، اما هیچ
وقت به مرحله‌ی عمل
نرسیده است

اگر شما جای مسئولان منادی تربیت بودید، نمایشگاه‌ها را چگونه برگزار می‌کردید؟

■ متأسفانه چون مجموعه براساس نظامی معین و اهداف و راهبرد حرکت نمی‌کند، هر کسی مدتی به روش خودش آن‌جا را اداره می‌کند. اما به نظر من می‌توان این حرکت را از یک جریان موردی و مقطعی دولتی، به یک جریان مستمر متکی به خود تغییر داد. در مورد نحوه‌ی انتخاب کتاب‌ها هم باید تجدیدنظر کرد. در سال‌های اول، خود مؤسسه کتاب‌ها را انتخاب و به استان‌ها ارسال می‌کرد که البته آن روش هم معایبی داشت. به نظر من سیستم درست، تلفیقی از روش قبلی و کنونی است تا به نقطه‌ای برسیم که هر کتابی سر جای خودش قرار بگیرد و درست عرضه شود.

هم‌چنین، برای تأمین نیاز مدارس به کتاب می‌توان، با ناشران همکاری کرد تا از ظرفیت موجود در مدارس نهایت استفاده بشود. همه‌ی این‌ها امکان‌پذیرند، به شرطی که در سیستم نگاه بلندمدت وجود داشته باشد. من معتقدم اگر میزان مطالعه در جامعه در حد فاجعه است، این فاجعه را خودمان ساخته‌ایم. در واقع چون نمی‌توانیم از ظرفیت‌ها به خوبی بهره بگیریم و بازار را به درستی مدیریت کنیم، گاه صورت مسئله را پاک می‌کنیم. برای مثال، دلیل شمارگان سه‌هزار نسخه‌ای کتاب را بی‌علاقگی مردم به مطالعه قلمداد می‌کنیم، در حالی که واقعیت جامعه غیر از این است.

